

بنیاد اندیشه



بنیاد اندیشه  
تاسیس ۱۳۹۲

فصلنامه فرهنگی، ادبی و هنری ادبیات معاصر  
سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۹۵  
صاحب امتیاز: بنیاد اندیشه  
مدیر مسئول: حسین حیدریگی  
معاون مدیر مسئول: علی پیام

دبیر بخش شعر: غلامرضا ابراهیمی  
مدیر هنری: هادی مروج  
مدیر اجرایی: رشید محمدی  
ویراستار: گروه ویراستاران

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

تقی واحدی، حسین فخری، حبیب صادقی،  
حفیظ الله شریعتی سحر، حمزه واعظی، دین محمد جاوید،  
روح الله روحانی، زهرا حسین زاده، زهرا زاهدی،  
سلمانعلی ارزگانی، سید ابوطالب مظفری،  
شوکتعلی محمدی شاری، صادق دهقان، عقیف باختری،  
علی بابا اورنگ، فاطمه روشن، قاسم سام قاموس،  
محمدشریف سعیدی، محمدیونس طغیان ساکایی،  
محمود جعفری و نادر احمدی.

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

ادریس بختیاری، استاد سرور دانش، اعظم اسدی،  
امفروه موسوی، آصف جوادی، باهر بیانی، حسین بیانی (راد)،  
داکتر محمدسرور مولایی، داکتر محمد اشرف غنی،  
زهرا زمانی، علی توانا، غلامرضا جاویدی،  
محمدباقر حسینی، محمدعوض نبی زاده،  
مرتضی حسینی شاهترابی و نجیبه زرتشت.



بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۲



# ادبیات معاصر

فصلنامه فرهنگی، ادبی و هنری - سال دوم، شماره پنجم  
زمستان ۱۳۹۵



طرح روی جلد شماره چهارم

ادبیات معاصر

فصلنامه فرهنگی، ادبی و هنری  
سال اول، خرداد، چهارم  
مهر ۱۳۹۵

پرسی کارنامه ادبی و پژوهشی محمدجواد خاوری  
من قصه لیل و تبسم را نوشته ام  
گفتگو با محمدجواد خاوری  
احیاگر فرهنگ مکتوم  
وجوه بلاغی و آرایه های سخن و زبان در زمان طلعات  
در بند پی چهل گز موی  
شلیل ها

نسبت زبان و تفکر در فرهنگ اسلامی  
اقتصادی تاریخ مصرف یک تاریخ  
من از فرهنگ بومی خراسان برخاستم  
گفتگو با محمدباقر کلاهی اهری  
در تعقیب جهانیان  
فرخزاد ابرشاعر فراسوها

مراکز بخش

افغانستان - کابل: دفتر مرکزی، کارته سه، سرک سه، خانه شماره ۸۷،  
شماره های تماس: ۰۰۹۳۷۸۸۳۱۱۵۲۴ - ۰۰۹۳۷۴۴۲۰۸۳۹۲  
E-mail: adabyat2016@gmail.com  
مزار شریف: تقی واحدی، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۰۰۵۳۹۳۶۶  
هرات: عبدالواحد رفیعی، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۰۰۴۰۹۹۳۲  
دایکندی: عبدالهادی رحیمی زاده، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۷۵۵۷۷۸۲۹  
بامیان: محمدامین ابتهاج حجتی، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۶۶۷۰۱۲۳۴  
غزنی: حکمت الله نظری، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۴۴۵۶۰۷۷۲  
تاجیکستان - پروفیسور روشن رحمان، شماره تماس: ۰۰۹۹۲۹۱۹۸۹۰۲۰۸

ایران - مشهد: سید ابوطالب مظفری، شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۶۴۶۵۸۱۷۷  
قم: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، محمدعلی جویا، شماره تماس: ۰۰۹۸۹۱۰۲۰۴۸۰۰۷  
تهران: صادق دهقان، شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۶۷۰۳۰۹۷  
استرالیا - آدلاید: نادر احمدی، شماره تماس: ۰۰۶۱۴۳۲۱۴۰۲۷۷  
اروپا - اروپای شرقی - ناروی: حمزه واعظی، شماره تماس: ۰۰۴۷۹۶۸۵۷۳۳۱  
اروپای مرکزی - انگلستان: ابراهیم افتخاری، شماره تماس: ۰۰۴۴۷۵۸۷۶۹۱۴۵۵

مجله در ویرایش و کوتاه کردن مطالب دست باز دارد.  
مسئولیت محتوای مطالب به دوش نویسنده است.  
اخذ مطالب از این فصلنامه با ذکر منبع بلامانع است.  
مطالب ارسالی باز پس فرستاده نمی شود.  
بها: ۱۷۰ افغانی



آثار کاتب نشان می‌دهد که قدرت مطلقه... / متن سخنرانی دکتر محمدشرف غنی رئیس جمهور افغانستان در سمینار علمی گرامی داشت از هشتادوششمین سالگرد وفات علامه فیض محمد کاتب هزاره، ۲۱ دلو ۱۳۹۵ / ۶

کاتب سرآمد همه مورخان پیشین و پسین افغانستان / متن سخنرانی استاد سرور دانش معاون دوم رئیس جمهور در سمینار علمی گرامی داشت از هشتادوششمین سالگرد وفات علامه فیض محمد کاتب هزاره، ۲۱ دلو ۱۳۹۵ / ۱۰

کاتب یگانه تاریخ‌نگار در زمانه خویش / مصاحبه با دکتر محمدسرور مولایی / حسین حیدر بیگی / ۱۵

روش شناسی «آنال نگار شرقی»، در تاریخ‌نگاری افغانستان / حسین بیانی (راد) / ۲۷

جایگاه نثر فیض محمد کاتب در نثر فارسی دری افغانستان / ام فروه موسوی / ۴۱

اندیشه سیاسی ملا فیض محمد کاتب هزاره / محمدباقر حسنی / ۵۴

فیض محمد کاتب و آسیب‌های تاریخ‌نگاری افغانستان / غلامرضا جاویدی / ۶۳

هشتادوششمین سالگرد وفات علامه فیض محمد کاتب گرامی باد! / محمدعوض نبی زاده / ۷۴

نمایه آثار ملا فیض محمد کاتب هزاره و آثاری درباره او / علی پیام / ۷۸

گزارش سمینار علمی گرامی داشت هشتادوششمین سالگرد وفات علامه فیض محمد کاتب گرامی باد! / علی پیام / ۸۲

گزارشی از محفل بررسی زبان و ادبیات علامه فیض محمد کاتب هزاره / اداره نشریه / ۸۹

## ادبیات و هنر

کتاب‌شناسی بیدل در افغانستان / محمود جعفری / ۹۴

این سال‌ها / مروری بر شعر معاصر افغانستان / محمدآصف جوادی / ۱۰۳

تحلیل آکوستیکی نظام واکه‌ای زبان فارسی دری / اعظم اسدی / ۱۱۰

جنگ در ترانه‌های فولکلوریک مردم هزاره / دین محمد جاوید / ۱۱۵

روح رفته رودخانه‌ها / خوانش شعر «خرده‌های تاریکی»؛ سروده گروس عبدالملکیان / ادریس بختیاری / ۱۲۰

ای صدای تو استامینوفن / زهرا حسین زاده / ۱۲۶

جهان رمان‌های رهنورد زریاب / حسین فخری / ۱۳۰

شعر معاصر افغانستان: عقیف باختری / یاسین نگاه / نجیب بارور / مینا نصر / مهتاب ساحل / الیاس علوی / زبیر هجران / علی توحیدی / نصیر ندیم / محمدصابر رضایی / منصوره خلیلی / تمنا مهرزاد / ۱۴۰

شعر معاصر ایران: مهرداد فلاح / پانته آصفایی / برجنی / حسن آذری / امین خلیلی / ساجده جبارپور / ۱۵۲

شعر معاصر تاجیکستان: عبدالجبار سروش / فرزانه خجندی / عمرالدین نوشین / ۱۵۷

داستان: اگر / باهر بیانی / ۱۶۰

جزء سوم / زهرا زمانی / ۱۶۷

فرمان نویس / فیلیس آلتمین / برگردان: نجیبه زرتشت / ۱۶۹

## بنیاد اندیشه

یادکرد: پرورده ملک سنایی / یادی از عبدالکریم میثاق / دکتر محمدطغیان ساکایی / ۱۷۲

که عشق آسان نمود اول / یادی از آخوند حاجی میرزا حسین دره صوفی / دین محمد جاوید / ۱۷۴

گزارش: جشن یک‌سالگی فعالیت‌های بنیاد اندیشه و رونمایی فصلنامه‌ها و کتاب‌های انتشارات بنیاد اندیشه / ۱۷۶

مسئولیت نویسنده خلق کردن است / گزارشی از رونمایی و نقد رمان «زندگی به سفارش پشه‌ها» اثر کاوه جبران / علی توانا / ۱۸۱

گفتمان ادبی ایران و افغانستان به روایت داستان / مرتضی حسینی شاهرابی / ۱۸۴

کتابخانه / ۱۸۸

## رویداد



یک

در دهه‌های اخیر کم نبودند مدعیانی برخاسته از دو جغرافیای زبان فارسی افغانستان و ایران که نسبت به شخصیت‌های فرهنگی دعواهایی در سطح عموم و رسانه‌ای انجام داده‌اند و یا در نوشته‌ها، پژوهش و منبع‌دهی‌شان به شکل غرض‌آلودی این قضیه انعکاس یافته است؛ این که ناصر خسرو از کیست و مولانا جلال‌الدین بلخی مربوط به کدام ملت است، بیدل دهلوی برخاسته از کدام ایل و یورت و... متأسفانه این بحث‌های ناسنجیده و محبوس بر دریچه احساسات مرزهای مفروض خاک و قومیت، بین فرهنگیان دو حوزه به وفور رخ داده و هنوز هم در لابه‌لای متون پژوهشی و آموزشی به شدت و حدت رخ می‌نماید. این مباحث به جای این که تکه‌های دور افتاده را به هم بدوزد، گسل‌های عمیق بی‌اعتمادی فرهنگی را در پی دارد.

یکی از مصادیق بارز این بگومگوهای بی‌ثمر را می‌توان نسبت به شوریده‌شرق جلال‌الدین محمد بلخی نگرسیست. در این سال‌ها کم نبودند صاحبان قلم و احساس فواره‌گون که او را فقط از آن خودشان

می‌دانستند و دیگران را از خوان شعر و معرفت او محروم و بی‌نصیب؛ انگار میراث منحصری است که نباید قطره‌ای از بارش فکری به جا مانده از او در علفزار تشنه دیگران بچکد. در آخر هم دیدیم که او به صورت ناآگاهانه متعلق به جایی شد که او خود سماع عارفانه‌اش را در آن جا آغاز کرده و بی‌خودی را به تجربه نشسته بود.

واقعیت این است که نایستی نسبت به حوزه فرهنگی با دیده‌احول نگرسیست. شخصیت‌هایی که در این بوم‌وبر رشد پیدا می‌کنند چنان ابر زایشگری است که نسبت به همه کوه و کمرها و جغرافیای سالکین طریقتش یکسان می‌بارند. چنان که امروزه هر شخصیت علمی و فرهنگی‌ای که در پهنه فکری جهان رشد می‌کند و نوآوری، ساخت زبانی و اندیشه جدیدی را بر فرهنگ بشری و انسانی امروز می‌افزاید، متعلق به همه انسان‌هاست، چه رسد حوزه زبانی و جغرافیای کلان‌دیروز زبان فارسی که همه بر گرد یک تخت‌ویخت پادشاهی می‌چرخیدند و تمام پیشینه فرهنگی و زمینه‌های رشد تمدنی را یکسان تجربه کرده‌اند. البته این نکته را نیز باید گفت که در جغرافیای فرهنگی ما هنوز هم

سروقامتانی هستند که ذهن و روح و روانشان رسته از کج‌بینی‌ها و توهم حقیقت‌کش است. با این وجود، این شرایط نه امروزه به وجود آمده است و نه هم چندان خوشبین و شعارگونه به قضیه بنگریم که در یک چرخشی از میان خواهد رفت؛ بذری است که سال‌های سال رشد یافته و چنان اسطوره‌های شر، به مرور زمان از میان خواهد رفت.

## دو

اما منظور ما در این مقال مردی است که نه از بلخ، بلکه از غزنه برخاسته است؛ با قلم رقصانی در دست و دل گره‌خورده با داغ‌های سرخ و آوارگانی پراکنده در هر سوی این خاک؛ قد کشیده از بین هزاره محمد خواجه، مردی غربت‌آلود و مشهوری به نام فیض‌محمد کاتب هزاره. به گمنامی و غربتش همین بس که هیچ تفصیل روشنی از بعضی زوایای زندگی این تاریخ‌نگار بزرگ عصر متأخر در دست پژوهشگران وجود ندارد. بسیاری از مقاطع خرده‌زندگی‌اش هنوز که هنوز است در سایه‌ای از ابهام مانده است؛ این که او دقیقا در کجا درس خوانده است آن‌هم در سال‌های اختناق‌آمیز پسا‌شکست و نفرت پراکنده در هر معبر و معیار، این که در کدام دامنه‌ای از علم و معرفت رشد یافته که آن چنان ذهن او انباشته از دانایی شده و چنان ساخت و بافت زبان را به دست آورده است که الان خواننده آثارش را در شور و طنطنه و سوگ فرو خورده خودش غرق می‌کند. روایتی می‌گوید او در نجف رفته است و نشانه‌ای اشاره می‌کند که بیرون از کشور نرفته است و فقط و فقط در افغانستان آن روز آن اندازه قد کشیده است که نسل‌های متوالی می‌توانند در فراوانی سایه فکر و اندیشه‌اش بیاسایند. اما این را می‌دانیم سیدار تناور قلم و نثر بی‌نظیر فارسی، روزی با تیشه ظلمه پی می‌شود و زخم‌های بسیاری را بر تنش می‌بیند. حالا شب‌هنگام است و کاتب زخم دیده و نقش سرخ‌تازانه‌های ظلم برگرده‌هایش، افتاده در کف خیابان، کسانی پنهانی تن نیمه‌جانش را به خانه‌اش می‌رسانند و بعد مرگش را فریاد می‌کشند بی‌آن که از او خبری داشته باشند. بی‌گمان، روزهای آخری که کاتب خود گزارشی از مرگش را می‌نوشته بدون گریستن به غربتش نبوده است، او قطعا با انبوهی از درد و رنج روی از این خاک برگرفته و در پشت جوی چنداول خفته است؛ غربتی که هنوز هم دامنش را رها نکرده و خاکش گواهِ این گفته می‌تواند باشد.

## سه

شهرت امروزه علامه فیض‌محمد کاتب، در تاریخ نابرابر و پر از اجحاف افغانستان، به معجزه نزدیک‌تر است تا به روند طبیعی و واقعی. آثار کاتب تا پیش از دو سه دهه به خیال بیشتر نزدیک بود تا به واقعیت ملموس. نسل دو سه دهه پیش ما دست یافتن به آثار او را همانند دست یافتن به مرغزارهای پشت کوه قاف می‌دانستند؛ مرغزارهایی که هر لحظه گمان می‌رود دیو‌هایی از دوردست‌ها در آن جا سر برسند و همه چیز را به نابودی بکشانند.

راز ماندگاری آثار کاتب و شهرت امروزه او را می‌توان در خرام قلم، چگونگی تاریخ‌نویسی و زبان بی‌بدیل او دانست. زبان تاریخ‌نگاری کاتب و نوع پرداخت به حوادث و تحولات و نبردهایی خانمان‌سوز این

سرزمین به اندازه‌ای بدیع، زیرپوستی، تکنیکی و واقع‌بینانه نگاشته شده است که شاهان هم‌عصر و بعد از زمانه او هرگز به این گمان نبودند که روز و روزگاری مورد قضاوت تاریخ قرار خواهند گرفت. او گویا این راز را از همان روزهای اول تاریخ‌نگاری‌اش می‌دانست. از همین روی زبان تاریخ‌نگاری او به گونه‌ای چند پهلو جلوه کرده است که هم شاه در وقایع و حوادث ذیحق و پیروزمند و افتخارآمیز از معرکه بیرون می‌آید و هم مخاطبان واقع‌بین می‌دانند که نسل گذشته این سرزمین چه تلخ‌کامی‌ها و از هم پاشیدگی‌هایی را پشت سر گذرانده است. او می‌دانست که متعلق به سرزمینی است که ساختارهای از هم گسسته و کله‌منارهای بسیاری را در خود دیده است. او راز فصل‌های این سرزمین را می‌دانست و این که در این جا راه باریک‌تر از موی است و عشق آواره کوه و بیابان.

## چهار

خوش‌بختانه با تمام بدبینی‌ها، در محاق رفتن‌ها، تحولات و حوادثی که همواره خوف نابودی کامل آثار کاتب در میان بوده، حالا بیشترین آن‌ها در دسترس علاقمندان است هستند و دیگر از نابودی کامل و تقلیل و تحریف نجات یافته‌اند و نسل امروز با میراث گران‌بهای او روبه‌رو هست؛ میراثی که الگوی یک نثر فاخر و متفاوت است و از پشت زمان‌ها و فترت‌های بسیاری برخاسته است. او زبانی را آفریده است که از لحاظ زیبایی‌شناسی، ساختار و غنای، گسست‌های گذشته نثر فارسی را جبران می‌کند.

از سوی دیگر شاید کاتب زمانی که آثارش را می‌نوشته همواره به این می‌اندیشیده که این نوشته می‌تواند الگویی تکامل‌بخشی برای نسل بعد از من باشد. این اندیشه بر سر همه نویسندگان اعم از تاریخ‌نگار و غیر تاریخ‌نگار هست. حالا ما می‌بینیم و این پیمان‌های پر از حرف‌های ارانه شده؛ به شکلی که می‌توان از هر صفحه‌اش یک موضوع و سوژه برای پرداخت و شرح و تفصیل استخراج کرد. آثار کاتب به کمرگاه کوهی می‌مانند که از هر نقطه‌اش چشمه‌سارهای بسیاری در جریان است.

با این حال امروز نسل ما چه اندازه بهره‌ای از کاتب دارند؟ همان‌گونه که در اول این مقال اشاره شد، شخصیت‌های تاریخی و فرهنگی هیچ‌گاه پای‌بند ادعای یک حوزه جغرافیایی و یا قوم و قبیله نمی‌مانند. در واقع هر ملتی که نسبت به شخصیت‌های فرهنگی و فکری کار پژوهشی انجام داده باشد، طبیعتا بهره بیشتری از فکر و اندیشه‌اش دارند و الگوپذیری بیشتری صورت گرفته است. حالا اگر «مک چرنی» بیاید و بیشتر از ما نسبت به افکار و اندیشه کاتب پژوهشی انجام دهد، یقینا کاتب امریکایی خواهد بود تا افغانستانی. همین‌طور است مثال‌هایی که در اول ذکرش آمد، مولانا از آن کسانی است که نسبت به آثار او تحقیق و پژوهش بیشتر انجام داده‌اند و بیدل به کسانی تعلق دارد که همواره در ذهن آن ملت زنده است و از ساختار زبان و اندیشه‌اش بیشتر بهره‌مند شده است.

مدیر مسئول

## بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۲